

آهنگ بدیع

مخصوص جوانان بهائی است

شماره پنجم ۱۹۹

شهرالمنکات شهرالحداد ۱۱۲ - مقصد ۱۳۳۹

شماره دوازدهم سال نهم

صفحه	فهرست مطالب
۳۷۲	۱- لحن
۳۷۳	۲- سر مقاله (ای باز هوای محبت الله)
۳۷۷	۳- روزی از دفتر هجرت (از شاعرود تا پروچیا)
۳۷۸	۴- بیوگرافی پرفسور فویل (۲)
۳۸۱	۵- بیانات ابیادی امرالله جناب بنانی در کامپالا
۳۸۳	۶- شهادت
۳۸۴	۷- آفتاب سیاه (۲)
۳۹۰	۸- بیاد روز فیروز ... (شعرازه سهل سفندی)
۳۹۱	۹- عشق تو (شعرازه استاد طمانی)
۳۹۲	۱۰- بیانات جناب احمد یزدانی در کامپالا
۳۹۴	۱۱- اقامه نماز
۳۹۵	۱۲- بیانات تصادق الی الله جناب طوی در تاسیروسی
۳۹۶	۱۳- ورزش چیست ؟ ...
۳۹۹	۱۴- آهنگ بدیع و خوانندگان
۴۰۰	۱۵- فهرست مذرجات آهنگ بدیع سال ۱۳۳۹

يا دريح كن في النعمة منتقياً وفي فتنة شاكراً وفي الحق أميناً وفي البرية طليقاً

والبغية أكثراً وللأغنياء ناصحاً وللننادي مجيباً وفي الوعد وفياً وفي الأجر

منصفاً وفي الجمع صامتاً وفي القضاء عادلاً وللإنسان خاضعاً وفي الظلمة اجاباً

وللمؤمن فرجاً وللظالم حرجاً وللكره بليماً وللظالم ناصراً وعصداً وطيراً

وفي الأعمال متقيماً وللغريب وطناً وللريض شفياً وللشجير حسناً وللضرب صبراً

ولمن ضل صراطاً ولوجه الصدق جمالاً ولبيك الأمانة طرازاً ولبيت الاخلاق عرشاً

ولجهد العالم روحاً وبجود العدل رايةً ولا فخر في نحر نوراً ولا أرض لطيفة زواجاً

ولجهد العلم حلماً ولسماء الكرم نجماً ولرأس الحكمة اكليلاً ولجبين الدهر بياناً

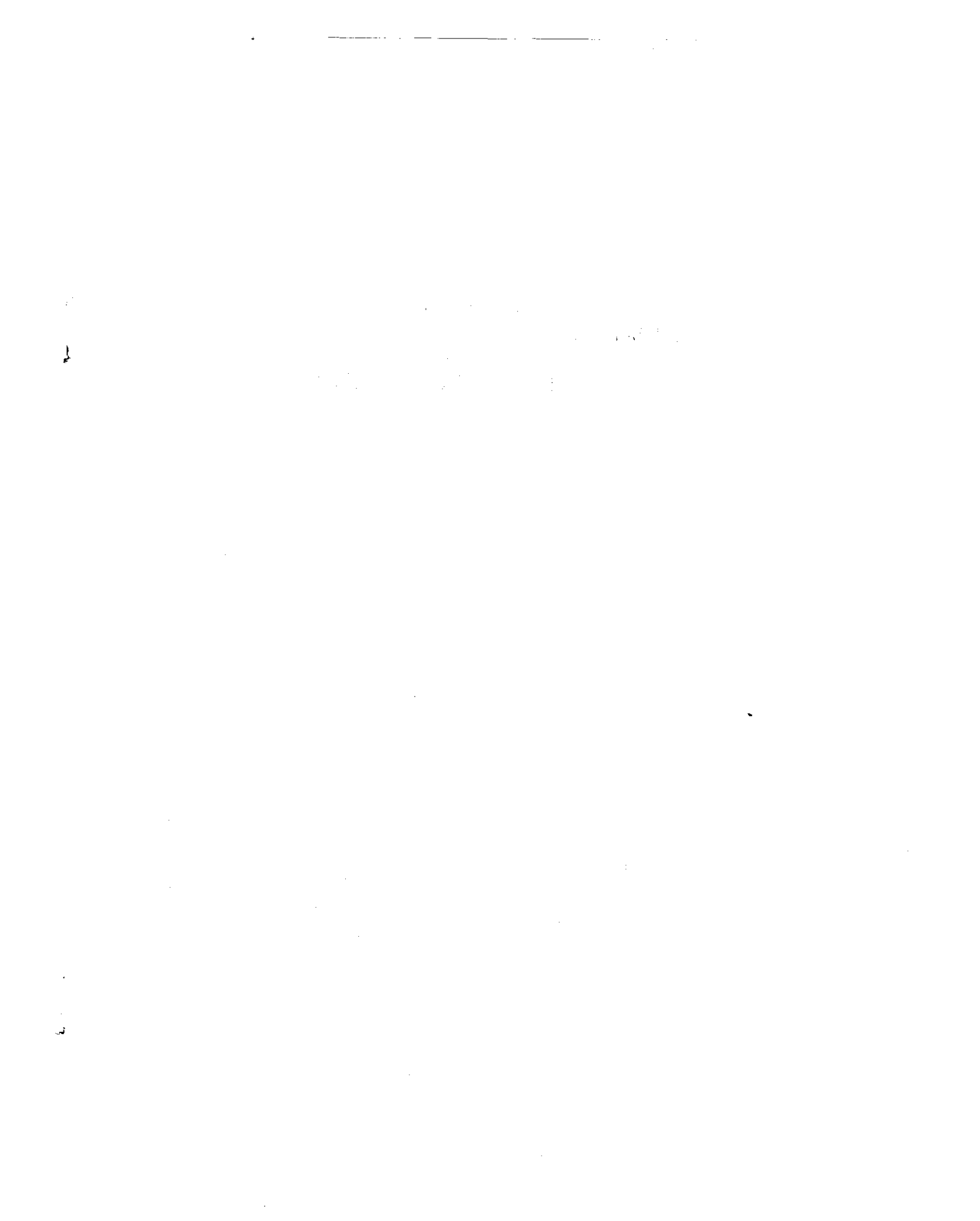
ولشجر الخشوع ثمراتاً فاسئ الله ان يجتلك من حسرة التخذ وجبال البرودة قريباً

« حضرت بهاء الله »

جمال قدم جل ذكره الأعمم سفیر مایند :

آنچه فی تحقیق سبب تربیت و علت ترقی ناس بوده و لم یزل و لایزال از قسم اعلی جاری و لکن اکثری از آن غافل بوده هستند و از کلمات معانی که مایه ترتیب و اعدال است و مانع عالم قسمی نبود و حال بالفاظیکه سبب ابتلا و هرج و مرج تنگی حالست بان ناطق و بان فخر مینمایند . اگر چه وجه عالم در این ایام بر بی باکی و بی پروائی و بی مذهبی است و لکن عنقریب ابصار حدیده و اذن و اعیه در عالم ملک ظاهر خواهد شد و بساط مبسوطه منظومی خواهد گشت کما طوی من قبل .
الفاظی ما بین ناس در ممالک اجنبیه و غیره مذکور میشود و جمیع از عالم و جاهل بان تکلم مینمایند و جمیع هم دارای آن مقامات مدعی از جمله لفظ شدن و حریت و انسانیت و داد و اتحاد و مواسات و آزادی و برابری و شرح و بسط طویل و عریض در ذکر آن الفاظ و تفاسیر آن در جزایه عالم مذکور در این مقام همان صدق را سزاوار است که باین کلمه ناطق شود فاقوا بعمل ان اتم من تصان
آنچه ایوم ملاحظه میشود اینست که سدره که طووات انسانیت و فوق آن در ظل آن مذکور اگر بدست قوم اقدار قطع نمایند و بسوزانند از حق جل و عز طلوع نیر انصاف را از افان قلوب ناس مسکت مینمایم که شاید حق ناطق شوند بحق

عامل کردند



ای
باز هوای

مجتبته

وقت پرواز است

درد نیائیکه ما امروز زندگی میکنیم
بشریت بمثابه دریائیکه آرامش و صفای خود را
از دست داده باشد دچار طوفانی سهمگین گشته .
طوفانی از امواج هراس انگیز تشویش واضطراب بینونت
و نفاق که افق امید و آسایش جهانیان را تیره و تار و فکسر
و ضمیر بشر را مشوش و هراسان ساخته طوفانی عالمگیر که
اساس تمدن سراسر مادی کنونی را متزلزل و لزیم یک تحول
جدیدی که عرصه حیات بشر را روشن و او را در حریم حمایت
خوش قرار دهد اعلام میدارد . از جهت دیگر ابرهای گوناگون
تعصبات آسمان افکار را پوشانیده و چون حجابهای تیره مقابل
ابصار بشر را فرا گرفته و مانع از آنند که " جمال یاری سترو حجاب
بینند " و از بر تو رویش حیاتی جدید یابند - از اینها گذشته بشر
امروز در نتیجه تمدن پر طمطراق عصر حاضر خود را در چهار چویی از
زندگی بیروح ماشینی محبوس ساخته و اعصابش بکلی فرسوده و خسته
شده است .

بشریت چون کاروانسی ره گم کرده و نابسامان در میان طلائع و بدایع
پر زرق و برق جهان فعلی مستاصل و سرگردان مانده است بشری که
در تمام ادوار تاریخ نهایت آمال و آرزویش این بود که روزی بتواند
در سایه اختراعات و اکتشافات جدید و دریناه توسعه روز افزون
تمدن موانع و مشکلات حیات را از پیش پای خویش بر داشته در یک
محیط مرفه و آزاد و پر نشاط زندگی کند . حال همین بشر در آغوش
چنین تمدنی در (سكرات موت) بسر میرود - آری بشر عصر ما
بیش از آنکه یک موجود سعادت مند و آزادی باشد در ورای میله
های تمدن فعلی یک زندانی محض بنظر میرسد و بیش از همه
وقت قابل ترحم است و باید روح جدیدی بکالبد او دید و او را
بدنیای نوینی که آرامش جسم و روانش را تامین سازد رهبری
نمود - آری در اینچنین دنیائی بایه های عشق و محبت که
اصیل ترین خصائص فطری بشر است سست و لرزان گشته و
اصول و مبانی صحیح اخلاقی و دینسی تخدیش و تضعیف
شده است و بجای آن موجی از خشم و عصیان و خود
خواهی و لذت طلبی در سراسر جهان گسترش یافته
است - بشریت در ورطه یک ورشکستگی و سقوط
عظیم اخلاقی و تمدنی و تنزل عمیق تربیتی
قرار گرفته و هر لحظه بیم آن میرود که

از بریز عبدالمیشاق قدیران

شعله های جانکاه - حرص و طمع ماده پرستی و متفرعات آن زبانه کشیده دنیائی را یککام آتشین خود فرو کشد و عالی را بخاکستر کشاند .

جز اهل بها* وراکبین سفینه همرا* گوئی احدی را در این طوفان مهیب و پرابتلاث که امروز دامگیر بشر شده امید آرامش و بقاء نبوده و نیست چه مناسب ویر معنی است این بیان مبارک حضرت ولی عزیز امرالله ارواحنا فداه که در کیفیت حال این جهان بیمار میفرمایند : ((خوف و هراس قانددین عالم را معذب - ساخته و اقدامات سیاسیون حیرت زده و سی بصر را عقیم و بلا اثر گذاشته است ملل عالم با یکدیگر در نهایت ضغینه و عدوان و از هم خائف و هراسان - مطامحشان عاری از حقیقت و اهدافشان در نهایت سخافت - فی الحقیقه هرج و مرج و فساد و عدم ایمان اساس تمدن متزعزع عالم را بصوب فنا و نیستی سوق میدهد . آیا این فساد مستمر که خفیا در جمیع شسب و ششون افکار و اعمال بشری رخنه میکند با ارتفاع ید قدرت حضرت - بها* الله قرین نیست ؟ آیا حوادث خطیره بیست سال اخیر که سبب انقلاب اقلیم ارض گشته در حالیکه سکرآت موت تمدنی را اعلان میکند که در شرف تلاشی و اضحلال است دلالت بر درد زه نظم بدیعی ندارد که سفینه نجات بشری است و ناگزیر بر خرابه های عالم مستقر خواهد شد .)) انتهى

آری طبق این بیانات مولای توانا علائم و آثار یک تزلزل و فتور عظیم در اساس جمیع انظمه عالم آشکار گشته - جمیع این بحرانیها و انحطاطات جمیع این انقلابات و انحرافات دال بر آنند که زیر بنای پوسیده انظمه سالفه دیگر قادر به حفظ تعادل و

نگهداری بناهای سنگین و کهنه روی خود نیستند و ناگزیر باید تلاشی شوند تا شالوده یک نظم بدیع و محکم و متین که ضامن صلح و سعادت جمیع بشر باشد بر خرابه های آن - نهاده گردد - دنیای امروز منتظر و نگران است و منتظر قوه قاهره لا یزال است که برافکار بشری که بتمام وسائل برای نابودی و اضحلال نسل حاضر مشبث میشود تفوق حاصل کرده و بشر مضطرب و مایوس را از غرقاب فلاکت و فنا نجات داده و شاهراه حقیقت و بقاء دلالت کند این قوه عظیمه امروز موجود و بنا به اراده الهیه در بین بشر انگیزخته شده است این قوه مهیمن و عظیم همانا نیروی حیات بخش تعالیم و دستورات حضرت بها* الله است که تنها وسیله علاج آلام و اسقام این دنیای محتضر بشمار میرود و ما اهل بها* بمنزله حامیان و منادیان این قوه باید شب و روز بکوشیم تا عالم بشریت را زنده نمائیم . آرزو که بر تو امید بخش آفتاب مدنیت الهیه ضمیر جمیع اهل ارض را منور میسازد و عرشه گشتی حیات ملیون هابشر طوفان زده و مایوس را روشن کرده بساحل نجاتش رهنمون میگردد آن لحظه که تجلیات انوار این تعالیم الهیه در جمیع شئون تمدن مادیه نفوذ کرده و با آن توام و هماهنگ میشود باید اذعان و اعتراف نمود که یکی از مواعید دیرینه نهضت جهانی بهائی تحقق پذیرفته و عصر بلوغ عالم فرا رسیده است زیرا هما نظور که درالواح و آثار مبارکه صرح است (مدنیت مادیه جهان چون زجاجی است که هر قدر در نهایت ظرافت و لطافت و زیبایی باشد محتاج بسراج است زجاج بی سراج بی نور و بی فروغ است تاریخ است - بی صفاست - همچون بیکری که روح نداشته باشد مرده است - بی روح است

آهنگ بدیع

بشتابیم مائیم که باید روح حیات را که تعالییم مبارکه حضرت بها^۱ الله است در بیکر بشر بدیم و او را زنده با اسم اعظم نمائیم و این کار خود مستلزم همت و از خودگذشتگی بیشتری است که باید بروز دهیم و عالم را منقلب سازیم و ثابت نمائیم که ما از اخلاف دلیر و وارثان فداکار همان جانبازان بی نظیری هستیم که چهره - تاریخ امر را زینت بخشید و چه خوب است که ما جوانان همواره این گفتار ایادی ممتاز امرالله جناب هوراس هولی علیه رضوان الله را - بخاطر بسپاریم که میفرمودند: (امر بهائی محتاج جوانانی است که با روحی بیدار و عموشیار بر علیه هجوم و حمله تمدن مادی که عالم بشر بورطه هلاکت رسانیده قیام نمایند)

بسیاری از ما ممکن است بعللی خود را قادر یا احیانا لایق بقیام در این سبیل و خدمت به وحدت عالم انسانی ندانیم غافل از اینکه حضرت بها^۱ الله چنان قوه و قدرت روح خدمت و ابراز فعالیت در کالبد پیروان خود دیده که اگر همین نفوس بخواهند و بپاخیزند بر جمیع ارض غالب خواهند شد زیرا قلم اعلی باین بیان احلی ناطق: " واللہ الذی لا اله الا هو اگر - کسی بر نصرت امر ما قیام نماید خداوند او را - مظفر و منصور خواهد نمود ولو آنکه هزاران هزار نفس بمقاومت با او برخیزد اگر حب او زیاده - گردد خداوند او را بر جمیع قوای من فسی السموات والارض غالب خواهد ساخت این چنین روح قدرت و اقتدار را در جمیع اقطار دیدیم (همین قوه الهی بود که در جسم وجان - تهرمانان عصر رسولی دیانت بهائی دیده شد و چنان آنها را منقلب و منجذب ساخت که ضعیفترین آنها بشجیعترین افراد بدل شد بشانی که از هیبت تیغ و خنجر خون چکان شمشیر نهراسیدند و غرش توپ آنان را از وصال

حال بدتدرت الهی در این زجاج عظیم عالم انسانی سراجی بدیع خلق فرموده و میمنت این عصر نورانی خلقی جدید مبعوث داشته تا بقوه روح القدس قیام نمایند و جمیع زوایای تاریک این بسیط غیرا را روشن سازند و نور و فروغ این امر الهی را که ضامن سعادت نوع بشر است زینت بخش اقالیم شرق و غرب عالم نمایند .
(انتہی))

مگر نه اینست که ما امروز در عصری زندگی میکنیم که موسم به عصر تکوین و انتقال و مشهور بزمان تحول عالم و تقلیب ام بروج شریعه - سما^۲ است؟ مگر نه اینست که در این عصریاید بر طبق نوایای مولا محبوب بنیان قصر مشید نظم بدیع الهی بدست مجاهدان دلیر رحمانی محکم گردد تا در آتیه نزدیکی طلایع عصر ذہبی دیانت بهائی بر فراز آن جلوه گر شود؟ ما اهل بها^۱ بخصوص نسل جوان با توجه بوظائف - خطیره ای که بما محول شده باید در دنیای امروز بیشتر احساس مسئولیت بنمائیم و بیقین بدانیم که مسئولیتهای ما بیش از آن است که بظاهر تصور میکنیم زیرا طبق نصوص مبارکه در این دور اعظم ما یقین داریم که عالم بشر تا بقوه کلمه الله منقلب نشود روی سعادت حقیقی را - نخواهد دید چه که بشهادت حضرت عبدالبها^۱ ارواحنا فداه (الیم قوه انقلاب شدید است و اختلاف عظیم ممکن نیست که اهل عالم سکون و قرار یابند مگر بقوه ای که محیط بر عالم انسانی است) بنا بر این چرا ساکنیم چرا خاموشیم چرا باهتزاز در نمیائیم و نعره یابها^۱ الاهی نمیزنیم و عالم بشر را از این خواب سنگین بیدار نمیکنیم؟ آری مادر برابر این دنیای پر آشوب و وظیفه بس خطیری بعهده داریم زیرا مائیم منادیان اسم اعظم مائیم آن خلق جدیدی که باید در بین ملاء ارض ظاهر شویم و نجات غافلان و گمگشتگان

آهنگ بدیع

و ایمان و با صدائی رسا ندای رب الجنود
را به بشر محنت زده اعلان نمائیم و صدای -
بیان مبارک شویم که میفرمایند . :

(ای باز هوای محبت الله وقت پیرواز
و کشف راز است هنگام عجز و نیاز است
تا توانی همتی بنما و شهبری بگشا و صیدی

بنما و شکاری بیفکن تا در ساعد شهریار -

ملکوت مقر یابی و در فضای دلگشای ^{چشمن} حی

لا یعوت سیر نمائی . . .)

دیانت بهائی بزرگترین نوری است که از بعد
از زمان حضرت مسیح تا کون در عالم ظهور
نموده شما باید بسیار مواظب و مراقب باشید
و هیچوقت نگذارید این نور از نظر شماستور
گردد از برای نسل حاضر بسیار زود و مشکل
است که بتواند قوت و سها آنها درک نماید
فقط آتیه است که اهمیت و عظمت نور را ظاهر
و عیان خواهد نمود .

دکتر بنیامین جاوت

بمحبوب منع ننمود بلکه مردانه بسوی جلاله
شتافتند و لوله توپ را در آغوش کشیدند همچنین
در این عصر رحمانی قوای تائید است که مهاجرین
فی سبیل الله را در اقصی نقاط عالم ظهیر
و نصیر گردیده و مبلغین امر را در صحنه تبلیغ
و تبشیر و اعلان کلمه الله همواره موفق و پیروز
میدارد .

چه غم دیوار امت را که دارد چون توشنیهان
چه باک از موج بحر آنرا که باشد نوح کشتیبا
این ید قدرت و عنایت جمال اقدس ایهاست
که همیشه پشت و پناه ماست و بر ما سایه افکنده
و در هر امری ما را کمک و یاری میکند و این امطار
تائیدات است که از سماء فضل پروردگار بر ما
فرو میریزد .

يك نظر اجمالی با فراق تاریخ حیرت انگیز
عصر رسولی که مشحون از جانبازی و از خود
گذشتگی است بما میآموزد که چگونه (مثنوی
از مستضعفین عباد) بقوه کلمه الله و نیروی -
اراده و تصمیم قیام کردند و در لوای مشیت الله
گروهی عظیم از مردم را منقلب و مجذوب نموده
حقیقت را شهره آفاق ساختند - آیا غیر از این
بود که بسیاری از آنها را در کوچه و بازار سنگ
سار و بعد شهید و یا تبعید و بیسر و سامان -
نمودند؟ آیا جمیع این شدائد و -
و ضرب و شتمها توانست اندکی در روحیه تزلزل
نا پذیر آنها تاثیر نموده از اراده و تصمیم
و عشق به محبوب باز دارد؟ حال نیز چنین
است و از آنجائیکه بنا بر بیان مبارک حضرت
ولی امر الله که میفرمایند (حوادث گذشته
آئینه مجلای حوادث آینده است) ماجوانسان
بهائی باید به تاسی از آن باسلان دلیر مردانه
قیام نمائیم و در اراده و تصمیم خود در راه -
تحقق نوایای مبارکه کوچکترین تردیدی بخود
راه نداده و با روحی آکنده از عشق

تاریخ اسلام

۱. تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام

تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام، شامل تاریخ عربستان پیش از اسلام، تاریخ اسلام در مکه و مدینه، و تاریخ اسلام در سایر بلاد است. در این بخش، به بررسی وقایع مهم و تحولات اجتماعی و سیاسی در این دوره می‌پردازیم.

تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام، شامل تاریخ عربستان پیش از اسلام، تاریخ اسلام در مکه و مدینه، و تاریخ اسلام در سایر بلاد است. در این بخش، به بررسی وقایع مهم و تحولات اجتماعی و سیاسی در این دوره می‌پردازیم.

تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام، شامل تاریخ عربستان پیش از اسلام، تاریخ اسلام در مکه و مدینه، و تاریخ اسلام در سایر بلاد است. در این بخش، به بررسی وقایع مهم و تحولات اجتماعی و سیاسی در این دوره می‌پردازیم.

تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام، شامل تاریخ عربستان پیش از اسلام، تاریخ اسلام در مکه و مدینه، و تاریخ اسلام در سایر بلاد است. در این بخش، به بررسی وقایع مهم و تحولات اجتماعی و سیاسی در این دوره می‌پردازیم.

تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام، شامل تاریخ عربستان پیش از اسلام، تاریخ اسلام در مکه و مدینه، و تاریخ اسلام در سایر بلاد است. در این بخش، به بررسی وقایع مهم و تحولات اجتماعی و سیاسی در این دوره می‌پردازیم.

تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام، شامل تاریخ عربستان پیش از اسلام، تاریخ اسلام در مکه و مدینه، و تاریخ اسلام در سایر بلاد است. در این بخش، به بررسی وقایع مهم و تحولات اجتماعی و سیاسی در این دوره می‌پردازیم.

تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام، شامل تاریخ عربستان پیش از اسلام، تاریخ اسلام در مکه و مدینه، و تاریخ اسلام در سایر بلاد است. در این بخش، به بررسی وقایع مهم و تحولات اجتماعی و سیاسی در این دوره می‌پردازیم.

تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام

تاریخ اسلام از آغاز تا ظهور اسلام

رفسور اکوست فورل

بفیه از شماره قبیل

است هیگل اجتماع انسانی دارای جهت جامعه عمومی و جهات جامعه‌های خصوصی است و - ارتباط جهات جامعه‌های خصوصی با جهت جامعه عمومی و روابط جهت‌های جامعه‌های خصوصی اساس قوانین اجتماع انسانی رابایستی بوجود آورد .

رفسور فورل برای تفهیم حقایق اجتماعی مرتبا پیشوایان اجتماع را رهبری نموده و مطالب عالیه امر را بآنان تذکر میداد در تماس با کارگران و زحمت‌کشان نیز جدا بتشریح ایسن حقایق مشغول بود . آلاچیق نه ستونی او که بر دریاچه لیمان ژنو مشرف بود روزه‌های یکشنبه مرکز تجمع دانشمندان و افراد خانواد^ه برای تشریح حقایق امرالهی بود .

خانمش که بوسیله خود او تبلیغ شده بود در تمام اوقات مساعد و معاون و معاضدش در کارهای عالیه فورل بود حتی این مرد بزرگ در آخرین شب زندگیش در زیر آلاچیق باغبانها را بدیانت جهانی اجتماعی عالی بشری هدایت مینمود و بس از این جلسه در منزلش براحسی چشم از جهان برست و بعالم بقا^ه شتافت و صیت نامه او در حضور چندین هزار نفر از - اساتید دانشگاههای اروپا و آمریکا و نقساط دیگر وعده از رجال سیاست و پیشوایان مسلک اجتماعی خوانده شد و در آنجا در صفحه سیزده سطر هیجده این عبارت مندرج است .

" در ۱۹۲۰ بود که من بدیانت بهائی در شهر کارلز روچه آشنائی یافتم دیانت مافوق طبیعتها و جهانی بهائی که در مشرق بوسیله یسک

با توجه باینکه بعد از جنگ جهانی اول سوسیالیسم باشکلهای مختلف در سراسر اروپا و بسیاری از کشورهای آسیا و آمریکا انتشار - یافت بیان بزرگترین استاد سوسیالیسم علمی که در عین حال در ردیف بزرگترین دانشمندان ثلث اول قرن بیستم است از نقطه نظر معرفی عظمت امر بهائی در نزد اجتماعین دنیسا (سوسیالیست ها) حائز توجه و امان نظر است باید دانست که فورل مذهب اجتماعی را (سوسیالیست) بر مبنای علمی مخصوص تشریح کرده که با مذهب اجتماعی بحث شده از طرف ژان ژورس و مارکس و لنین و سایرین تفاوت - دارد فورل میگوید : افراد انسانی مانند سلولهای جامعه انسان را تشکیل میدهند - ملیونها سلول جمع میشوند و مغز را بوجود میآورند ملیونها سلولهای دیگر کبد را بوجود میآورند و همچنین باز ملیونها سلول قلب - انسان را بوجود میآورند و همچنین سایر ارکان بدن اجتماع بشری نیز چنین است در عین اینکه جهت متشابه در خلقت جمیع سلولها موجود است جهت تشابهی بین سلولهای کبد و - قلب و غیره علاوه بر جهت عمومی خلقت سلولی موجود است و باز در هر قسمت از مغز یا قلب یا کبد نیز جهت عمومی برای سلولهای آن قسمت موجود است و این وضعیت در کوچکترین قسمتهای اعضا^ه بدن موجود میباشد پس توجه باین دو جهت (جهت خصوصی و جهت عمومی) سبب فهم شناختن وسائل ادامه حیات هیگل انسان و مانند آن هیگل اجتماع بشری

ایرانی بنام بهاء الله در هفتاد سال پیش تاسیس شده است این است دیانت حقیقی برای بهبود عالم اجتماع دیانتی اجتماعی و انسانی بدون خرافات و رسم و کیش که مردم روی کره زمین را با مبادی خود متحد میسازد و من بهائی شدم و این دیانت زنده و پایداری در نمو و ترقی برای بهبود اجتماع موجود است این بود آرزوی عمر طولانی من که بدان رسیدم آگوست فورل از اساتید پسیکولوژی و بدیده شناسی که اشتباه روانشناسی نامیده شده است میباشد و چون در این مکتب مسائل جنسی در راس شناسائی مطالب مربوط به پسیکولوژی قرار گرفته بود و استاد فورل عالی ترین مکتب را از تسقطه نظر علمی و فن پزشکی مورد تحقیق قرار داده در اصول تعلیم و تربیت و مسائل پسیکولوژی اساتید این فن اقتباسات مهمی از استاد نموده و نظرات او را بعنوان فرضیه های علمی پسیکولوژی مورد استفاده و قبول قرار داد مانند بنا بر این نوشته های فورل و ایمان او راهنمای قابل توجهی برای هزاران استاد و معلم این فن و عموم مردمی که اهمیت بمسائل پسیکولوژی میدهند میباشد فورل در اصل زندگی اجتماعی معتقد بر این بود که هر فردی از افراد بشر بایستی بیک کار علمی مشغول باشد تا جهت عمومی تحرك سلولهای اجتماعی انجام پذیرد و خود فورل هر روز چند ساعتی بکارهای باغبانی میپرداخت خانم او در پشت دستگاہ با فندگی بائی هر روز چند متری پارچه می بافت دختر او مارتا بامر باغبانی مانند پدر مبادرت میورزید با آنکه استاد فورل از فامیل اعیان متمول سوئیس بود معذک این طور کسار را برای زندگی اجتماعی لازم میدانست افراد خانواده اش به تبعیت او بکارهای عمل مشغول بوده اند وقتی فورل در کتاب دکتر اسلمنت خواند که در امر بهائی کار عبادت است و بدان

مقام تقدیس اعطاء فرموده اند در پوست نی گنجید .
 آگوست فورل در ضمن تحقیقات و مطالعات طولانی فن پزشکی بالاخص در دوران ریاست مریضخانه امراض دماغی Asile Albine de (آزیل آلبیندو زوریخ) surich دریافت که علل اکثر امراض دماغی و کسالتهای دماغی روحی و ناخوشیهای عصبی مربوط باستعمال مشروبات الکلی است و بالاخص این مشروبات در نسل بشری عوارض بدی بوجود آورده است .
 فورل در تحقیق و تفحص مسائل اجتماعی بدین نتیجه رسید که خرابی های تشکیلات اجتماعی بشری بیشتر ارتباط مستقیم با مصرف مشروبات الکلی در هر محیط و اجتماعی دارد و حتی در بحث سوسیالیسم بیش از ایمان بامر این نظریه را اظهار نمود که : مبارزه با کاپیتالیسم وقتی مفید نتیجه است که قبلا بر علیه سرمایه داری الکلی انجام شود و میگوید اگر مادر این مبارزه توفیق یابیم در اصل مبارزه با سرمایه داری توفیق حاصل کرده ایم .
 وقتی فورل در کتاب اسلمنت منع مشروبات الکلی را مطالعه مینمود بدختر خود و دامادش تذکر داد که اصل انگلیسی این کتاب را بیاورند زیرا در ترجمه آلمانی مشروبات پرقوه نظیر (عرق - کنیاک - ویسکی و غیره) را ممنوع نموده است مشروبات ساده را از قبیل آبجو و شراب مورد توجه قرار نداده است فورل گفته است حتما این ترجمه غلط است و اصل بیان بهاء الله چیز دیگری است چون باصل مراجعه کردند نظر فورل تأیید شد و معلوم گردید که استعمال هر نوع مشروب الکلی بشدت در امر بهائی ممنوع شده و شاریکسه بترك آن حاضر نشود از حقوق اجتماعی بهائی محروم وی نصیب است .
 این نکته موضوع دومی بود که بشدت فورل

آهنک بدیع

و جوانان فراهم سازند .
مثلا زندگی دوران طفولیت استاد بزرگ -
اگوست فورل سر مشق خوبی برای اطفال درس
اخلاق و سرگرمی آنها است زیرا اگوست فورل
نه تنها در سنین بلوغ و پیری و کهولت
سر مشق زندگی طلاب علوم و رهبران اجتماع
و نیکوکاران جهان بوده است بلکه دوران کودکی
او میتواند سر مشق بسیار نیکو و عالی برای اطفال
باشد در سابق گفته شد که کتابچه هائی که
در سن دوازده سالگی اگوست فورل راجع
بحشرات نوشته است بهترین جزوات مورد استفاده
دانشمندان سالخورده سپید موی میباشد و نباید
فراموش کرد که بعد از صعود فورل هفت کامیون
بزرگ کلکسیون مورچه های او را بموزه ژنوا عطا
نمودند و قسمت عمده مطالعات و بررسیهای
فورل در حشره شناسی در سنین پنج تا
دوازده سالگی مجوده است . انتهی
... — ...

را تکان داده و سوسوی امرکشانید مسائل مربوط
بحقوق اجتماعی انسانی تساوی حقوق عمومی
اهمیت تعلیمات و مسائل دیگر مبادی بهائی
فورل را مجذوب نمود .
اما موضوع اصلی که عقل و قلب او را کاملا
مجذوب ساخته و مومن بامر حضرت بهاء الله
نمود در گرو جواب سوالات او بود که از قلم حضرت
عبدالبهاء نازل گردید .
البته مطالب متعدد دیگری از جمله موضوع
علاج بوسائل غذایی و محدودیت استعمال -
گوشت و توصیه بخوراکهای میوه و سبزی و -
تعلیمات اجتماعی مربوط بوسائل بهبودی سلامت
عمومی نیز جالب نظر فورل بوده است .
تا اینجا بیوگرافی فورل را با توجه اند
باینکه دانشمندان زیادی شرح حال او را نگاشته
و خود ایشان نیز شخصا ترجمه احوال خود
را نوشته برای مزید الخلاع مراجعه بآن کسب
را توصیه مینمائیم .

منظور اصلی از شرح حال و تذکره این
استاد بزرگ این بود که جوانانی که در مکاتب
دانش و علم مشغول تحصیل هستند یا آنانکه
مقلدین مکاتب علمیه میباشند بخوبی دریابند که
چگونه افرادی از متبحرترین علماء عصر حاضر
با یک عمر تحقیق و تفحص در علوم و کشف
مطالب بسیار مهم علمی ودقت در زندگی اجتماع
و تخصص در شئون عمومی و تمعن در حکمت
و فلسفه و رسیدن بمقام شامخ استادی در علوم
و فنون چگونه سیر این مراتب آنها را باستان
عبودیت و کسب حقائق امر کشیده است .

معلمین و معلمات درس اخلاق پایستی در -
تراجم احوال اینگونه نفوس که عده قابل توجهی
میباشند بر رسی نموده و با اخذ حقائق سیر زندگی
علمی و فنی و عملی و فلسفی و حکمتی این نفوس
راهنمایی های شایسته ای برای نونهالان و اطفال

در یکی از جلسات
کنفرانس در سالن دانشگاه
مارکیر در شهر کامپالا در محضر حرم
مبارک حضرت روحیه خانم از جناب موسی
بنانی تقاضا شد برای حاضرین در جلسه
کنفرانس بیاناتی بفرمایند و ایشان نیز
بدون تامل مگر مکتهائی بخاطر ترجمه
بلغات بوهی و بانگلیسی بیانات
زیر را ایراد
فرمودند

نطق حضرت ایادی امرالله

جناب موسی بنانی علیه بهائیه

در سال ۱۹۵۲ موقعیکه اجازه تشریف داشتیم فقط در سه نقطه این قاره
بزرگ جمعیت بهائی بود و من از حضرت ولی امرالله تقاضای دعا کردم و در اثر
دعای هیکل مبارک یکنفر دیگر تبلیغ شد موقع تشریف مشاهده نمودم که ولی محبوب
ما بسیار شاد و مسرورند زیرا تلگرافا بحضورشان اطلاع داده بودند که یکنفر دیگر
تبلیغ شده حال تصور فرمائید آن یکنفر چه شخصی بود او همان مستر اولینگای
عزیز ماست که بمقام ایادی امرالله نائل شد .

احبای محیط ما تا آن روز عبارت بودند از این بنده و خانم - علی نخجوانی
و خانم مستر فیلیپ هینزورت با سه نفر تازه تصدیق این عده جمعا ۸ نفر میشد
در حالیکه بایستی تا عید رضوان محفل روحانی محلی تشکیل میدادیم رجای بنسده
برای دعا از این جهت بود و اینسک با خبر تلگراف عده ما برای تشکیل محفل تکمیل
شده بود . آیا میتوانید تصور فرمائید سرور مادر قبال سرور هیکل مبارک و آن -
موفقیت تا چه میزان بود .

در این موقع من از حضرت ولی امرالله تقاضای دیگر کردم و پرسیدم آیا اگر
محفل روحانی تشکیل شود اجازه انتقال از این شهر بمحل دیگر را عنایت میفرمائید
فرمودند خیر خیر جای شما همین جاست باشید و بمانید تا من بشما اطلاع
دهم و بعد اضافه فرمودند مطمئن باش این افریقائیها قلب پاک دارند میخواهم
بمانید محافل بسیاری تشکیل دهید مشرق الاذکار بسازید حظیره القدسها بنا
کنید در کلیه فعالیتهای امری باید ناظر باشید .

این مطالب و این بیانات مبارک در سال ۱۹۵۲ یعنی یکسال قبل از نقشه
دهساله بود و اما در سال ۱۹۵۳ که نقشه دهساله را طرح و ابلاغ فرمودند
بمن دستور دادند مشرق الاذکار را باید بسازید گویانکه در اصل نقشه فقط
زمین مشرق الاذکار قرار بود اتباع گردد .

ملاحظه میفرمائید در ۱۹۵۲ فقط دو نفر مصدق محلی بودند ولی حضرت ولی

آهنگ بدیع

برای همه ما همه وقت سر مشق بناشد بایستی پس از تصمیم عمل کرده آنهم با شدت و سرعت و درایت ما باید از خط مشی هیکل مبارک درس بگیریم امروز روز سرعت عمل است .

من بشما يك احصائيه تقريبي ميدهم و توجه شما را باصل موضوع مقایسه جلب میکنم در قاره افریقا ۷۵ میلیون مسلمان است ۴۲ میلیون مسیحی و ۸۰ میلیون بت پرست و در مقابل فعلا ۱۷۵۹۰ نفر بهائی این تعداد ما قابل نیست و اصلا قابل مقایسه نیست پس بایست قیام کرد و تبلیغ نمود و از این تعدادی که مومن بامر بهائی داریم مسرور و راضی نباشیم با این میلیون میلیون نفوس تماس بگیریم و سعی کنیم تعداد بهائیان را ملیون ها نمایم .

اینست تذکر امروز من - باید بدانیم چه مسئولیتی داریم و باید بدانیم وظائف را کی باید انجام دهد - باید بخدا متوکل باشیم - باید در اطاعت امر جمال مبارک تبلیغ کنیم باید همه ما از سیاه و سفید باهم اقدام کنیم روی سخن با يك نژاد خاص یا يك طبقه خاص نیست و روزیکه همه همت گماشتیم و متحداً رو به هدف حرکت کردیم خواهیم دید همانطور که وعده فرمودند افریقائیان فوج فوج در ظل امر وارد خواهند شد . انتهى

امرالله فرمودند حتم داشته باشید افریقائیهها فوج فوج در ظل امر وارد خواهند شد . یکسال بعد در فوریه ۱۹۵۳ یعنی حین انعقاد کنفرانس بین القارات تعداد احبای - افریقائی به ۲۱۳ نفر بالغ شد و کثرت تعداد مهاجرین و تعداد مبلغین افریقائی بنحوی بود که اراده مبارک بر این تعلق گرفت که سه محفل ملی در سراسر افریقا تشکیل گردد که با محفل ملی موجود در مصر در قاره افریقا چهار محفل ملی در جنوب و غرب و شرق و شمال وجود داشته باشد . چنانکه احبای عزیز اطلاع دارند - در نقشه دهساله حضرت ولی امرالله اشاره - فرموده بودند در ایران يك مشرق الاذکار بنا شود ولی بسبب پیش آمدها و انقلابات و اتفاقاتی که در آن کشور رخ داد (اشاره بنطق های معاندین در رادیو و شهید شدن هفت نفر در اطراف یزد و غیره) این وظیفه روحانی بعهده احبای افریقا محول شد و فرمودند برای تسلی احبای رنج دیده ایران ام المعابد افریقا در قلب این قاره در کامبالا ساخته شود .

حال الحمدلله ساختمان این ام المعابد در اطراف این شهر پایان پذیرفت و امروز جشن افتتاح آن با این عظمت و جلال در محیط بسیار روحانی و جالب انجام یافت و در هنگام انجام تشریفات جشن همه حس میکردیم روح مقدس حضرت ولی امرالله از عالم بالا ناظر این عمل و این جشن پر شکوه ما هستند .

از روزیکه امر فرمودند و فعالیتها و اهداف نقشه من جمله تشکیل محافل ملی - محافل محلی و تاسیس مشرق الاذکار - حضائقدس را اعلام فرمودند تا حال ۹ سال تمام میگذرد . با توجه باین موفقیت ها و پیشرفتهها ملاحظه میفرمائید حضرت ولی امرالله بچه سرعت و با چه استقامتی کارها را انجام میدادند این بایستی



لجنه جوانان بهائى پاترست - گامبيا (افریقيا)



اولين مجمع جوانان بهائى درپروجيا (ايطاليا)

•

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

•

•

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شهادت

در بازار شهر آدمیان ارزش میزان خلوص طلا را با محسك
شناسند و در تاریخ دهر قدر مؤمن بی ریا را از بذل جان دانند
از ملکوت آسمان دی ندای رسای " فتمنوا الموت ان کنتم صادقین "
بیروان را بشهادتی سخت و شدید کشانده و زمانی ندای خوش " هر
که صلیب خود را برنداشته و از عقب من نیاید لایق من نباشد "
یاران را بر کرسی بشارتی عظیم ویر امید می نشانند . میرزا آریه قلی
درویش را قداره بر سر زدند . خطارفت و مولوی از سربارکش برخاک
سیاه افتاد . درون سینه اش آتش حسرت زبانه کشید و برجگش
داغ هزاران آه نهاد فریاد برآورد :
خرم آن عاشق سرمست که بر پای حبیب

سر و دستار نداند که کدام اندازد

با ضربتی خاموشی ساختند و شعله وقای دیگران را دامن زدند .
میگفتند گناهکار است لیک جز وفاداری و محبت بی شائبه به محسوب
یگانه گناهی نداشت . زمانیکه حاجی ملا اسماعیل حلقوم در دست
دشمنان سپرد تا بریند قطره خون گری که بر دست جلاذ نشست
لرزید و بر سنگهای سرد میدان افتاد صدای خفیفش در دنیای
بیروان ادیان گذشته پیچیده جولانها نمود گویا قطره خونی بود که از
قلب آن شهید صادق بخارج راه یافته و راز درونش را فاش میساخته
ای صبا از من با اسماعیل قربانی بگو

زنده برگشتن زکوی دوست رسم عشق نیست

منوچهر شاعری

و آنکه ملائک با قلم ایمان بر صفحه آسمان نوشتند " عاشق صادق راحیات در وصالست و موت در
فراق " آری شهدای راه حق و مجاهدین واقعی سبیل الهی چون پروانگان شیدا شهد شهادت از گل
ایمان چشند و بدینسان زهر تلخ شکجه و آزار غافلین نادان را تریای شفا شوند . یکی از اصحاب
قلعه شیخ طبرسی را بدیدار پسر خرد سالش رحمن نوید دادند . بامید آنکه از دفاع دست کشد و
و یاران را بدست فراموشی سپارد فریاد برآورد " بخاطر پسر رحمن رضای رحمن حقیقی را از دست
ندهم " و هنگامیکه با پای برهنه بقلعه میشتانت بزبان حال این بیت را ترنم مینمود :

من هماندم که وضو ساختم از چشمه عشق چار تکبیر زدم یکسره برهر چه که هست

اینست سرانجام ثابتان بر ایمان و آخرین برگ کتاب حیات ایشان تا مصداق آن شوند که فرماید :
" از صد هزار جان در گذرند و یکوی جانان شتابند " از جهان و جهانیان گسستند و از آرایش دنیا
رستند . از نام غیر بریند و یکوی یار بریند گردن در زنجیر و مای در غل داشتند و آندم که در آخرین
دقایق حیات خون پاکشان برخاک میجوشید ذرات وجودشان از ثبات و استقامتی بیمانند داستانها

بقیه در صفحه ۳۹۷

آفتاب‌سیاه

بقیه از شماره قبل

- ۶ -

در مدرسه تسو هفت نفر مهاجر داوطلب افریقائی داشتیم که وقتی پیام مبارك واصل شد بلافاصله آمادگی خودشانرا برای هجرت اعلام داشتند و تصمیم گرفتند پس از خاتمه دوره کفرانس به نقاط مورد نظر عزیمت نمایند . با یک نفر از آنها به (انگورا) رفتیم که از آنجا با اتوبوس به شهر مقرر عزیمت نماید . از همه فامیل و دوستانش خدا حافظی کرده بود . شاخه کوچکی که پارچه سفیدی بسر آن بسته بود روی شانه داشت . این تنها چیزی بود که از مال دنیا با خود میبرد .

وی بسر زمینی میرفت که عادت و رسوم آنها مردم آنجا و زبانشان همه برای او تازه و غریب بودند .

بما گفت " برای من دعا کنید که شجاع باشم " بعد از مهاجرتی که با آنها فداکاری و گذشت برای تعلیم مبادی امر حضرت بهاء الله به تسو آمده بودند تشکر و سپاسگزاری کرد . همه معلمین مدرسه با خانواده خود برای خدا حافظی پای اتوبوس آمده بودند . مهاجر افریقائی زن و چجه و فامیل و همه چیز خود را بخاطر اجرای آرزو و میل مولایش رها کرده بود . ممکن بود این کار بنظر دیگران نوعی فداکاری باشد اما در نظر او فقط

اطاعت دستور حضرت ولی امرالله بود . مگر نه آن بود که حضرت عبدالبهاء فرموده بودند اطاعت از او اطاعت از حق است . حالا روح خدا و روح حق درین پیام بود و او مهاجر افریقائی ما فقط بیک طریق میتواند - باین ندا پاسخ گوید : بلا فاصله برخیزد و عاشقانه قیام بهجرت نماید . برای ماوی مظهر این بیان مبارك حضرت بهاء الله بود " کدام عاشق که جز در وطن معشوق محل گیرد و کدام طالب که بی مطلوب راحت جوید . . . از صد هزار جان در گذرند و کسوی جانان شتابند . "

باری با همه مادست داد و سوار اتوبوس پر جمعیت گردید و در لابلای - مسافرن از نظر پنهان شد او خمیرمایه بی از تعالیم حیات بخش حضرت بهاء الله در آن انبوه جمعیت بود . بعد سرش را از پنجره بیرون آورد . آیکاش بودید و تبسم او را میدیدید . یک دستش را از پنجره بیرون آورده و تکان میداد و وقتی اتوبوس شروع بحرکت کرد سرش را برگرداند و با روشی گشاده و لبی پر خنده فریاد زد :

از: ایامی امرالله و پیام سیر

ترجمه: فریدون و مهن

" الله ابھی "

تا مدتی از او خبری نرسید و کم کم اعضا محفل نگران شدند : " شاید مریض شده شاید شغلی پیدا نکرده شاید هنوز کار تبلیغ را شروع ننموده " بهر حال تا دو ماه از او هیچ اطلاعی نرسید . بعد از دو ماه خبرش رسید . نامه ننوشته بود فقط يك تلگراف مختصر وساده : " هر چه بیشتر اوراق پرسشنامه برای تسجیل و جزوات امری بزبان انگلیسی بفرستید . "

- ۷ -

یکی دیگر از مهاجرین برای تبلیغ به کنیا واقع در قلب منطقه خطرناک (مائو مائو) رفت . ری وقتی برای اول بار از امر مطلع شد معلم مدرسه - کلیسا بود . یکی از احباب جزوه ای شامل مسائل امری باو داده بود و وی جزوه را برای مطالعه باطاقش در مدرسه برده بود . اما روسای مدرسه بلا فاصله موضوع را کشف کردند و باوتکلیف نمودند که جزوه را معدوم کند و دیگر در مورد امر بهائی حتی حرف هم نزند . وی گفته بود : " این دیانت و اعتقاد قلبی منست چطور میتوانم در باره اش نیندیشم و حرف نزنم . "

بعد باو گفتند اگر پا فشاری کند شغلش را از دست خواهد داد یا باید از - شغلش دست بکشد یا چشم از این حرفهای مهمل ببوشد . وی پرسیده بود " آیا اینکه خدا یکی است - دیانت باید دیانت واحد باشد - همه پیامبران نسبت بموقعیت و مکان از جانب خداوند مبعوث شده اند و اینکه همه بشر با هم برادر هستند حرفهای مهمل و احقانه است ؟ "

گفتند بهر حال يك کدام را انتخاب کن . گفته بود " انتخابی در کار نیست . هیچ چیز قادر نخواهد بود مرا از اعتقاد بدیانتم باز دارد . " باو گفتند : " خواهیم دید "

شغلش را از دست داد و از تدریس در کلیه مدارس محروم شد . کشیش صدر و وزرگان فامیلش را وادار کرد که پسرشانرا نصیحت نمایند تا دست از این حرفها بکشند و به شغلش و به کلیسا بازگردند . بعد علنا مخالفت با او را آغاز کردند و او را باخراج از قبیله و محرومیت از ارث تهدید نمودند . در مقابل تمام اینها او میگفت : " همه چیزها باراده خداوند و خواست اوست . من هرگز ایمانم را بحضرت بهاء الله از دست نخواهم داد زیرا بیش از این نمیتوانم بخاطر هیچ زندگی کم . "

همه کس با او مخالفت میکرد و مشکلات زیادی در زندگی او بوجود آمده بود ولی این بیانات مقدس حضرت بهاء الله قلب این مومن عزیز را همواره شجاع میداشت : " ستمنوعن عن حی و تضطرب النفوس عن ذکری لان العقول لن تطیقني والقلوب لن تسعنی " مضمون بیان مبارك (شما را از حب من منع

آهنگ بدیع

خواهند کرد و نفوس از یاد من مضطرب خواهند شد زیرا ظهور من مافوق عقول و وسعت قلبی می باشد . سرانجام سعی کردند زن جوانش را مجبور کنند تا از او طلاق بگیرد مگر آنکه وی حضرت بهاء الله را انکار نماید .

از هر طرف عرصه براو تنگ شده بود . شغلش را از دست داده بود از - فامیلش اخراج شده بود - دوستانش او را ترك نموده بودند و اکنون نوبت زن و فرزندانش بود . اگر بی بایست انتخابی درین میانه صورت بگیرد شاید درین گیرودار و کشاکش راهش عوض میشد ولی چون او از روز اول حضرت بهاء الله را - انتخاب کرده بود دیگر هیچ چیز دنیا در نظرش ارزش نداشت .

بارها احبای خوش قلب و پاک طینت افریقا این بیانات مقدسه حضرت بهاء الله را از کلمات مکتوبه برای ما میخواندند که میفرمایند " لا تعرنفسك عن جميل ردائي ولا تحرم نصيبك عن بدیع حیاضی لثلا یاخذك الظما فی سرمديه ذاتی " مضمون بیان مبارك اینست (وجود خویش را از طراز - ردای زیبای من عاری نما و از منبع فیض بدیسم بهره خویش را فراموش مکن تا از ابتلا بعطش در سرمدیت ذاتم در امان مانی) .

بعدا وقتی وارد دارالسلام شدیم شنیدیم که آن جوان در مدت بسیار کمی در محل مهاجرت خود موفق به تبلیغ هشت نفر بشریعه الهیه شده است .

- ۸ -

یک نفر از مردان (امباله) جزوه کوچکی درباره امر خوانده بود و اصرار داشت که جزه مومنین بشمار آید . باو گفتند که چنین کاری میسر نیست زیرا او بی بایست اطلاعات و معلومات بیشتری از امر پیاموزد . همچنین باو خاطر نشان ساختند که بخاطر امر و بخاطر حفظ خود احبای هر يك از ایشان باید پس از ایمان بحضرت بهاء الله اطلاعات کامل در باره مبادی و اصول امر پیاموزد و بعد تسجیل شوند .

جزوه ای که خوانده بود بدست گرفت و گفت : " من هم اکنون آماده ام . تا بحال چیزی که اینقدر مرا خوشحال کند نخوانده بودم . من ایمان آورده ام و بهائوسی هستم " . باو گفتند : " هنوز بهائی نیستی خیلی چیزها باید یاد بگیری " . گفت " بسیار خوب هر چه حضرت بهاء الله فرموده باشند من قبول دارم و آنرا انجام خواهم داد . چیز دیگر میخواهید ؟ من بهائی هستم " گفتند : " بعدا حالا نه " گفت " نه همین حالا " باو گفته شد که : " شما تازه شروع به تحقیق کرده اید و مبتدی هستید معلومات زیادی در امر ندارید . "

گفت " من همه چیز میدانم . پس گوش کنید " آنگاه بعضی مطالب جزوه ای را که خوانده بود از حفظ بیان کرد : " خدایکی است - انبیا همه از يك افق

آهنگ بدیع

مشرق هستند - وحدت عالم انسانی - همه خوب هستند و در عالم شر وجود ندارد -
کارهبادت است - عدالت برای همه حتی سپاهها . " بعد گفت " دیدید چه
خوب گفتم . من همه چیز را میدانم و بهائی هستم "

بالاخره یکی از مخاطبینش با بی حوصلگی از او پرسید " خوب حالا که همه
چیز را میدانی بگو حضرت ولی امرالله کجا زندگی میکنند؟ " بدون لحظه‌ای
تامل و با اعتماد کامل بلا فاصله جواب داد " در مومبسا سا " .
مومبسا تنها شهر بزرگی بود که وی در عالم میشناخت و بالطبع حضرت
ولی امرالله میبایست در آنجا زندگی کنند .

اما حالا او همه چیز را میداند . اراضی مقدسه را بخوبی میشناسد در ساره
مخافل روحانیه ملیه و محلیه و بیت العدل اعظم مطالب زیادی میداند .
همچنین میدانده که غیر از (مومبسا) شهرهای دیگری در دنیا وجود دارد که
هزاران جامعه بهائی در آن نقاط قائم به تبشیر و تبلیغ امر حضرت بها * الله
و ابلاغ این بیان مقدس هستند " عالم یک وطن محسوب و من علی الارض
اهل آن "

امروز او میدانده و معتقد شده است که از خیلی مسائل بی خبر است و خیلی چیزها
را باید یاد بگیرد . اما يك چیز را خیلی خوب میدانده و آن اینست که این
دیانت امید قلب او و همه هموطنانش است .

- ۹ -

اولین مهاجری که (تسو) را ترك کرد به دورترین نقطه (تانگانیکا)
رفت . برای رسیدن بآنجا وی میبایست دریاچه بزرگ (ویکتوریا) را دور بزند .
همه مادر اتونوسی که با آن از کامپالا میرفت جمع شده بودیم . زن و طفل -
کوچکش او را بوسیدند و از او خدا حافظی کردند . او هم گریه میکرد و هم میخندید
هی خندید چون قیام به خدمت بامر مقدسی که آنقدر برای او عزیز بود مینمود
و گریه میکرد از اینکه ساعت جدائی فرا رسیده بود .

حالت روحی عجیبی داشت و سر پای بدنش مرتعش بود . جسمش او را سوسه
میکرد بمانند مروحش او را بسوی نقطه که مورد نظرش بود بی کشانسد .
مادسته جمعی شروع بخواندن سرودی که در مدرسه تسو میخواندیم کردیم .
این سرود را با همان چند لغتی که از زبان تسو یاد گرفته بودیم ساخته بودیم .

Yoga Ojekuna Ebu

Yoga Ojikuna Ebu

Yoga Ojekuna Ebu

Yoga Do!

۱- در مورد...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 ۶- ...
 ۷- ...
 ۸- ...
 ۹- ...
 ۱۰- ...

- ۱ -

۱- ...
 ۲- ...
 ۳- ...
 ۴- ...
 ۵- ...
 ۶- ...
 ۷- ...
 ۸- ...
 ۹- ...
 ۱۰- ...

لَهنگ بدیع

ا و با مشکلاتی که یکفر مهاجر با آن روبروست مواجه میشود . این مشکلات محلی نیست و اختصاص به منطقه بخصوصی ندارد بلکه مشکلاتی بین‌المللی است که همه جا سراغ مهاجرین می‌رود از قبیل نبودن شغل - نداشتن اجازه اقامت نداشتن پول - نداشتن مسکن - نداشتن دوست و درسیاری از نقاط نداشتن پست و بهداشت .

در اینجا است که شخص مهاجر دست بدامان دعا می‌زند و در پی یابد که نمیتواند به تنهایی با اینهمه مشکلات مقابله کند . البته کسی از او چنین انتظاری ندارد . آنچه یکفر مهاجر باید انجام دهد آنست که در محل مهاجرتی خود استقامت ورزد و بقیه امور را بحضرت بهاء الله واگذار نماید . اوست که با مشیت مطلقه خود همه کارها را روبراه و آسان خواهد ساخت .

حضرت عبدالبهاء مکرراً فرموده اند که احبباً باید سربازان خداوند - جند الله باشند . ما خانه خود - دوستان آشنایان - فامیل و بستگان - شغل و مقام خلاصه همه چیز را رها میکنیم و میدان می‌رویم . درینجا دیگر راه باز گشت وجود ندارد . عرصه نبرد ما دنیاست و نقشه کار ما جهاد کبیرا کبیر دهساله است . باید بفرموده حضرت عبدالبهاء با سلاح محبت مسلح شویم و از شهرها و مراکز پر جمعیت بهائی به نقاط لانه المهاجره برویم .

حضرت بهاء الله در لوح مبارک کرمل میفرمایند :

" احب ان ابشر کل بقعه من بقاع الارض و کل مدینه من مدائنها بهذا الظهور الذی به انجذبت فواد الطور و نادت السدره الطلک و الملکوت لله رب الآیات حضرت عبدالبهاء نظیر این بیانات مقدسه را در یکی از الواح مبارکه می فرمایند : " ایکاش از برای من میسر میشد که بای پیاده ولو بکمال فقر بآنصفحات مسافرت مینمودم و نعره زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و - دریا یابها را بیهی میگفتم و ترویج تعالیم الهی مینمودم ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم بلکه انشاء الله شماها موفق شوید "

آفریقای محروم و دور افتاده آفریقای خاموش و آرام اکنون این ندا را شنیده

بان جواب میدهد و با جرقه ای از این آتش مشتعل شده است .

یکروز صبح در باره تاریخ دوران اولیه امر صحبتت میکردیم و بعد از شرح شهادت شهدای سبعه طهران کلاس تمام شد . در اینموقع پیر مردی نورانی و پراحساس پیش ما آمد . این نفس مقدس تصور کرده بود که شرح جانبازی شهدای امر در ایران برای آنست که بهائیان آفریقا را آماده کنیم که بزودی جان خودشانرا درین راه و مخاطرات ایمانشان نثار کنند . پیر مرد از ما تشکر کرد و گفت : " این داستان روحیه مرا قوی خواهد داشت تا وقتی نوبت شهادت من رسید حتی ذره ای بخود بیم راه ندهم "

از سهیل سفندی

بیاد روز فیروز وضع حجر زاویه ام المعابد اروپ

XX

بگوش همه‌های از رفیق اعلیٰ بود
بلند هلله یا بهاء الابهی بود
نهاد سنگ بنا را سفیر غصن بهیا
همان کسی که سرشتش ز عشق و تقوی بود
بیامدند احبا بسوی قلب اروپ
که قلبشان همه آئینه صفا بود
هزار تن ز احبای نازنین بودند
سرور از سر و روی جمیع پیدا بود
رئیس شهر بیامد بوقت هشتن سنگ
بگاہ نطق زاننش بنعت گویا بود
بزیر خیمه شکفتند همچو گل احباب
اگر چه ابر و گل و باد بود و سرما بود
بشهر قدرت در ظهر روز هیفدهم
بسال هفده صد این بساط بریا بود
عجب مدار اگر بعد هفت سال تلاش
که برچم ظفر و فتح در کما بود
ظهور معجزه اسم اعظم افخیم
بدید هر که ورا دیده پاک و بینا بود
خدا بقطب اروپا بلند کرد علم
نیشته بر زرش یا بهاء الابهی بود



از استاد محمدعلی سلمانی

خالی ز عشق تو نبود هیچ سینه ای
در هر خرابه تونهادی دفينه ای
ظاهر ز هردلی شده مهرجمال تو
چون قرص آفتاب ز هر آبگینه ای
تنها نه دل رهش تو فریاد میزند
حسنت فکنده ولوله در هر مدینه ای
دریا شد از فراق تو عالم زاشک من
باید دوباره نوح بسازد سفینه ای
معروف خاص و عام شدم من رهش تو
چون مفلسی که درکش افتد خزینه ای
خونم بریز ای بقدای دو چشم تو
تا فتنه زمانه نجیده زمینیه ای
هر گلرخ قرینه هستش در این چمن
جز گمذار ما که ندارد قرینه ای
ای مرغ شب بغیر تجلی ز آفتاب
آخر چه دیده ای تو که با او بکینه ای
هر که شوی کینه گدای در بهیا
سلطان ز بنندگان تو باشد کینه ای

بیانات جناب احمد یزدانی بفارسی در
سالن دانشگاه ماکاریر- کامیالا یوگاندا

الله ابھی

این بنده حقیر بر حسب تصمیم محفل مقدس روحانی ملی ایران نماینده مبلغین و - مبلغات و ناشرین و ناشرات نفعات الله ایران هستم و ماموریم پیام آنها را در این جا عرض کنم . شما میدانید ۱۱۷ سال است ناشرین نفعات الله در ایران سعی و کوشش مینمایند و برای هدایت نفوسی مورد بسی اهانت و تحقیر قرار گرفته اند رنجها برده اند و درسفرو حضراتیت هادیده اند اما بخدمت خود ادامه داده اند .

اما مملکت ایران در حین ظهور مبارک یکی از تاریکترین افق ممالک عالم بود و ملت ایران از همه بیشتر گرفتار خرافات و اوهام بوده اند . از چنین مملکت تاریک این نور عظیم الهی طلوع کرد و عالم انسانی را بوحدهت نوع بشرو صلح عمومی هدایت فرمود . شما همه میدانید که تبلیغ کردن و هدایت شدن نفوس موکل به قلب صافیه است هم آنکه میگوید و آنکه میشوند اثر کلام موقعی حاصل میشود که در طرفین قلب پاک موجود باشد .

اینست که حضرت بهاء الله در کلمات مکنونه میفرماید " فی اول القول ناملک قلبا جيدا حسنا منیرا لتملک ملکا باقیا ازلا قدیما "

در ایران و در مالکی که بامر حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امر الله مسافرت کرده ام مانند هلند هندوستان - ترکیه - ممالک عربی - افغانستان و غیره مشاهده کرده ام که در هیچکدام از این ممالک این نوع استعداد هدایت شدن یعنی دارا بودن قلب پاک مثل افریقا دیده نشده

است .

حالا پیایی که من از طرف ناشرین نفعات الله دارم مربوط بدو موضوع است یکی مربوط به بشارات روحانی است که از این قاره بگوش عالم بهائی رسیده و میرسد که در مدت کمی جمعیتی کثیر بدین تعداد زیاد در ظل امر الله در آمده و باعث این شده که از جانب ناشرین نفعات الله در ایران از صمیم قلب بجمع هدایت کنندگان و هدایت شدگان تبریک و تهنیت عرض کنم .

موضوع دوم اینست که در نقشه ده ساله جهاد روحانی در مملکت ایران در طهران بی بایستی مشرق الاذکار ساخته میشد ولی متاسفانه - بواسطه اینکه افق روحانی ایران را ابرهای اوهام گرفته توفیق حاصل نگردیده است .

اما خوشبختانه برادران عزیز ما در افریقا این موفقیت را حاصل کرده و مشرق الاذکار ساخته اند و مارا بانهایت شوق و میل بخدمت شما گشاده است .

اما چون همه میدانیم و اعتقاد داریم که عالم انسانی ملت واحد و تمام کره ارض وطن - واحد است نه صحبت ملیت داریم و نه فکر تبعیض نژادی بلکه سرتاسر عالم انسانی ملت واحد هستند لذا هر موفقیتی در هر کجا حاصل شود آن متعلق بتمام عالم بهائی است . پس مشرق الاذکار شما مشرق الاذکار ماست و ما بهمان اندازه از اتمام ساختمان این مشرق الاذکار مجلل شما شادیم که گوئی در شهر و کشور ما ساخته شده است .

آهنگ بدیع

بسماء امرالله صعود میکند و جلب فیض و برکت مینماید. از مشرق الاذکار دعا و مناجات صعود میکند بجهان بالا و فیض و برکات الهی را جلب میکند این فیض و برکت هم برای آنانکه در ظل امرند و هم شامل کلیه موسساتی میشود که در حول و حوش مشرق الاذکار هستند قرار گیرند.

من خود را موظف میدانم همانطور که از آنطرف تحیات و تهنیت ناشرین نفعات الله را آورده ام از اینجا هم این سرور و موفقیت شما را برای احبای عزیز و ناشرین نفعات الله بعنوان پیام بیبرم.

تبلیغ امرالله و احیای نفوس غافلہ بشرایط و دستورهای معینہ در کتاب والواح و آثار مبارکه بحکمت و بیان و کمال محبت و رافت و انقطاع و خلوص و بدون مجادله و اصرار بر عموم واجب است.

اجازه میخواهم یک آیه از لوح سلطان را که از کلك اطهر حضرت بهاء الله صادر شده برای شما تلاوت نمایم و آن آیه اینست: " سوف يفتح الله لمدينته بابا رجائا يدخل فيه الناس افواجا " یعنی عنقریب خداوند در وسیعی باز خواهد کرد برای مدینه اش که افواج و گروه های بشری داخل مدینه الله شوند من اینطور معتقدم که این در وسیعی که حضرت بهاء افله مقدر فرموده اند برای امرالله و مدینه الله از این نقشه ده ساله حضرت ولی امرالله شروع شده زیرا این نقشه باعث مهاجرت و توسعه امر در سراسر جهان و ورود این گروه زیاد در ظل شریعه الله است این آن در است که حضرت بهاء الله برای مدینه الهی یعنی این شریعت نازنین وعده فرموده اند و بعد هم درهای وسیعتر دیگری باز خواهد شد.

شما میدانید که دو نقشه هفتساله امریکا و این نقشه دهساله حضرت ولی امرالله مجموعا مرحله اولی اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء بوده است و پس از اتمام نقشه ده ساله قدمهای بزرگتر و نقشه های وسیعتری در پیش خواهیم داشت اینها قدم اول ما بوده است. مطلب دیگر اینکه ما فقط دو بار مشرق الاذکار را زیارت کردیم والواح و مناجاتها و آثار امری را استماع نمودیم و الحان خوشی را که در آن محیط طنین انداز بود شنیدیم و لذت روحی بردیم لکن شما احبای عزیز افریقا در جوار مشرق الاذکارید و این توفیق را خواهید داشت که مکرر در مکرر اجتماع کنید مناجات و دعا برای موفقیت احبای جهان مخصوصا برای موفقیت خودتان در تاره ای که اینقدر مورد توجه حضرت ولی امرالله بوده که میفرمایند (قاره مشتعل افریقا) شما میدانید دعا و مناجات

اقامه نماز

غلامرضا روحانی

یکی از احکام الهی که در عصر هریک از شارعیین عظام از دعائم دین و مخصوصا در این امر اعظم اس اساس امر خداوند بی نیازاست اقامه نماز است . بویژه در صبحگاهان کسه ایسواب رحمت بازاست وموقع راز ونیاز بدرگه پروردگار بنده نواز است و هنگام توجه وتبتل بآستان محبوب بی انباز که بسدید آورنده هر انجام وآغاز است و موجد هر نشیب و فراز . در سحرگاهان دلهای عاشقان جمالش پر سوز وگداز است و ارواح مشتاقان وصالش بنهایت اهتزاز در هوای قدسش بیرواز و دست امید هر مستمند بذیل عطایش درازاست و آه وحنین هر دزدمند در فضای درمانگاه رحمتش طنین انداز . مشرق الاذکارش محل راز ونیازاست و مسجد الاقصی و کعبه حجاز طائف حول روضه مبارکه اش که مطاف ملائع اعلی و قبله اهمل راز است

نعم ماقال

حور اگر دیده بر آن روضه کند روزی باز سازد از شرم در روضه فدوس فرراز
بوستانیست که طاووس ملایک هر دم ز سر سدره نماید بهوایش بسرواز
خم طاقش همه باسقف فلک گردد جفت لب بامش همه درگوش زحلی گوید راز
زهره را زهره نباشد که بیامش گذرد تا نیابد ز وکیلان درش خط جواز (۱)
ایهی ذات اقدسی که هر ذره از ذرات کائنات بحمد وثنایش دمساز است وهر موجودی از موجودات بآستان محمودش چون ایاز با نغمات ساز عبودیتش هم آواز است واین ترانه ملکوتی نغمه ساز که (ای خداوند بی نیاز دلهارا براز خویش دمساز کن واز بیگانه و خویشش بی بی نیاز فرما از جام صبحی در صبح احدیت بنوشان واز جام الست سرمست نما این بندگان واله و شیدای تواند و این مشتاقان آشفته و پریشان تو سرگشته کوی تواند و پر جذبه در روی تو گه آهوی تو در بیابان هجران سرگشته و سرگردان هستیم و در وادی حرمان پریشان . بدرقه عنایت بفرست و بیک هدایت تا بوئی از کسوی تو بمشام در آید و برتوی از رویت در کلبه احزان این حسرت زدگان افتد ظلمت دیجور بنور تبدیل گردد و گلخن حرمان گلشن احسان گردد تویی توانا و بینا و شنوا ع ع .

(۱) این چند شعر از سلمان ساوجی علیه الرحمه است که مناسب حال و مقال درج گردید .

چنانکه خوانندگان

عزیز مستحضرند متصاعد الی الله جناب

سیدعباس علوی از طرف محفل مقدس روحانی طهران

در مراسم افتتاح مشرق الاذکار کامیالا شرکت فرمودند . جناب

ایشان در جلسه ضیافت ۱۹ روزه ای که در شهر نایروبی (کشور کینا)

تشکیل شده بود بیاناتی نمودند عین بیانات مزبور

که از یاد داشتهای شخصی ایشان استخراج

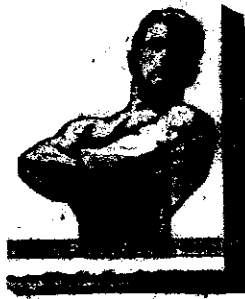
گردیده بعنوان آخرین یادگزار از

آن متصاعد الی الله بنظر

دوستان عزیز میرسند

خداوند در قبرآن مجید میفرماید لو انفتحت مافی الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم و لكن الله
الف بینهم یعنی ای بینمبر اگر جمیع ثروتهای روی زمین را خرج نمائی خواهی توانست دلها را
بهم ارتباط دهی تالیف قلوب مخصوص ذات مقدس حق است که بمظاهر خود عطا میفرماید ایضادر جای
دیگر میفرماید قوله تعالی " و اذکروا انکم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا "
یعنی ای مردم زمانیرا که دشمنان یکدیگر بودید بیاد آورید . خداوند تلبهای شمارا باهم مربوط و آشنا
کرد . دشمنیها را بقدرت کامله خود مبدل بصدق و صفا و دوستی فرمود . بموجب دلائل حسی و عقلی
و تاریخی هیچ سلطان و امپراطور مقتدری با وجود مهیا بودن تمام اسباب از ثروت و سپاه و شمشیر
و توپ و تفنگ نتوانست از روی حقیقت (نه بظاهر) دو دل را بهم نزدیک نماید و ارتباط دهد
تا کون بشهادت تاریخ بزرگترین فلاسفه عالم از قبیل افلاطون و ارسطو و اوگوست کت و دکارت و
امثالهم نتوانستند بقوه علم و فلسفه دشمنیهای قلوب را مبدل بدوستی واقعی نمایند همین نحو اصحاب
ثروت و صنعت با تمام جدیت و کوشش طاقت فرسای خود نتوانستند قلوب را منقلب نمایند علمای تمام
ملل نتوانستند حتی مذاهب منسعبه در دیانت خود را بهم التیام دهند نتوانستند سهل است
بلکه روز بروز بر دشمنی افزودند شاهد تاریخی زیاد است برای نمونه عرض میکنم نادرشاه با آنهمه
قدرت و سلطنت نتوانست بین علمای شیعه و اهل سنت و جماعت محبت واقعی ایجاد نماید حتی راضی
شد که یکفر نمایند مذهب جعفری که مذهب رسمی ایرانست در بیت الله الحرام قرار دهد نشد
که نشد همین نحو جناب پاپ با تمام قدرت خود نمیتواند مذاهب متعدده در مذهب مسیح را بهم
متحد و متفق نماید بلکه روز بروز بر اختلاف افزوده میشود و نمیتواند جلو گیری نماید . اما حضرت
بهاء الله و حضرتعالی جل زکرهما در زیر زنجیر و تنگنای حبس و هجوم علما و قیام سلاطین خصوصا
ناصرالدینشاه و عبدالعزیز و عبدالحمید بر ضد آن دو وجود مبارک و حطه تمام مردم و آنهمه کشتار و
خونریزی و اسارت زنها و اطفال و تاراج نمودن اموال و سوختن آنهمه خانه ها و هزاران بلایای لا تحصی
با نبودن اسباب ظاهره بقوه خارق العاده ملکوتیه زلزله بر ارکان عالم انداخت و افکار عمم بشر
را تغییر داد بطوریکه بهائی و غیر بهائی من غیر توجه احکام مقدسه آسمانی او را عمل مینمایند دشمنیها
را مبدل بدوستی فرمود جمیع ملل را باهم آشنا کرد تعالی تعالی تعالی هذه القدرة القاهرة تعالی تعالی
هذه الکلمه النافذه فی عروق العالم تعالی تعالی هذه السلطنه الغالبه علی کل الاشیا .

ورزش چیست و چگونه باید انجام شود؟



از: روح الله سخنور

هنگامیکه کلمه ورزش بگوش میخورد ممکن است همگی قوی و نیرومند با عضلاتی بر جسته از خاطر بگذرد و یا صحنه رقابت و برتری در میدان مسابقه در نظر مجسم گردد در صورتیکه از ورزش تنها نیرومندی جسمی و داشتن عضلات و نبرد در میدانهای رقابت و مسابقه نیست شاید در گذشته کمتر باین موضوع توجه میشد و چه بسا افراد که بخاطر نیرومندی عضلات و بدست آوردن قدرت جسمانی سلامت ظاهری خود را هم از دست میدادند و یا اینکه دسته های ورزشی جهت پیروزی در میدانهای مسابقه و نیز بخاطر شهرت و بلند پروازی با اعمالی دست میزدند که بکنی از اساس ورزش بدور بسود .

متأسفانه امروزه نیز کم و بیش این مطلب صادق است یعنی بعضی از ورزشکاران ورزش را وسیله زورگوشی و سلب آسایش عمومی قرار داده. نیرومندی خود را صرف آزار دیگران مینمایند . خوشبختانه جوانان عزیز و ورزشکار جامعه بهائی با اجـرای وصایای مقدسه و تعالیم متعالیه معتدله دین مبین در این مورد قدسی بخطا نرفته و ورزش را وسیله نیرومندی جسم برای سلامت و تقویت روح و فکر قرار داده از این طریق نیز برای نهل باهدای عالیه میکوشند و بطور کلی بعد از اقل سالم در رسیدن سالم برای تقویت نیروی عقلانی که جسم سالم و منیه قوی موثر در آن است در جنبش و تلاشند . هدف نهائی از ورزش نیز جز این نیست .

حال ببینیم چه ورزشی برای ما مناسب است و چگونه و چه وقت باید ب ورزش اقدام کنیم ؟ اینها همه سئوالاتی است که هر شخص قبل از اقدام باین امر از خود میکند . جوانان عزیز باید باین موضوع اساسی توجه بفرمایند که هر بدنی برای ورزش



جنبش بیشتر انرژی و کالری بیشتری لازم است و تهیه کالری جز با تغذیه مرتب و مناسب و کامل ممکن نیست در غیر این صورت حصول موفقیت محدود و ناچیز بوده امکان پیشرفت بعید بنظر میرسد. چه بسا نیروهای متناسب که برای ورزش معین آفریده شده چون بنحو احسن از آن استفاده نشده بکلی از ورزش کناره گیری نموده است.

بدین طریق تعیین ورزش مناسب بایستد اولین اقدام شخص ورزشکار باشد.

انتهی

بقیه از صفحه ۳۸۳ (شهادت)

... میگفت غرقه در دریای عشقش بودند و از باران بلائی هراسیدند غیر محبوب نمیدیدند و جز بیمانش زکری نی نمودند و هنگام سرگ میسرودند :

پروانه صفت چشم باو دوخته بودم

آنکه که خبر دار شدم سوخته بودم

خاکستر جسم بسر شمع فرو ریخت

اینست وفائی که من آموخته بودم

بامید آنکه آیندگان روش گذشتگان پیش گیرند

و ارمغان وفای سلف را دنیای خلف گرامی

دارد .

انتهی

مناسب است و هر قدرتی به تحمل فشاری - معین تواناست و تازه تشخیص این بنوبه خود کار ساده ای نیست در ممالک مرقی برای این موضوع کمال اهمیت را میدهند بدین صورت که افراد قبل از شروع بوزنش اولیه بسازمانبائی که کارشان تشخیص ورزش فراخور افراد است مراجعه و کمک میطلبند این هیات که متشکل از پزشکان مجرب و ورزشکاران آزموده است از هرجهت از شخص مراجعه کننده معاینه بعمل آورده با درنظر گرفتن روحیه و علاقه او بوزنشهای مختلف و با توجه دقیق باعمال قلب - ریه - سلسله اعصاب - قدرت جسمانی و ریزندگی عضلات و استخوان بندی ورزش - درخور توانائی را تعیین می نمایند . البته مسلم است با این طرز عمل پیشرفت و موفقیت ورزشکار سریعتر و حتی است گر چه بعقیده دکتر بوژی فرانسوی با یک نگاه میتوان ورزش درخور افراد را تعیین نمود ولی چندان خطا نرفته ایم اگر باعمال قلب و اعصاب نیز توجه نموده بوزندگی عضلات و داشتن استخوانها اکتفا نکیم . چه - ممکن است مثلا شخصی که دارای اندامی کشیده و پاهای بلند و وزن مناسب باشد برای ورزش دو و میدانی در نظر گرفته میشود دارای ضریان قلبی سریع باشد که بهیچوجه برای این ورزش مناسب نیست و تاب دویدن زیاد را ندارد . اصولا محیط ورزشی در ایجاد علاقه در - شخصی تاثیر نیست مثلا فرانسوی ها به دوچرخه سواری - سوئدی ها به ژیمناستیک - ترکها به کشتی و انگلیسی ها به فوتبال که ورزش رایج در آن کشورها است علاقمند میباشند ولی علاقه فرد بوزنش مورد نظر نیز در پیشرفت آن موثر است در ضمن باید دانست که برای سنین - مختلف ورزشهای مخصوصی در نظر گرفته شده که باید مورد توجه قرار گیرد . غذای مناسب برای ورزشکار از ضروریات است چه برای حرکت و -

حضرت عبدالبهاء در یکی از آخرین الواح مقدسه شان میفرمایند (" ... آنچه باید بکنم کرده ام تا اندازه ای که قوه داشتم بامر حضرت بهاءالله خدمت کردم . شب و روز در مدت حیات آرام نگرفتم . بی نهایت آرزومندم به بینم احبای عزیز مسئولیت امر مبارک را بعهدہ میگیرند ... ")

انتظار حضرت عبدالبهاء آنست که جانبازانی فداکار با شور و شوق فراوان بنام مقدس او بفتح مدن و دیار بپردازند ، آنچه امروز عده ای را از توفیق درین خدمت باز میدارد همانهاست که در هر ظهور سدره مومنین میشده : ثروت فامیل - گرسنگی یا مرگ . بیائید همه اینها را بدور بریزیم و این بندها را از دست ویای خود بگسلیم . چون قهرمان قلعه طبرسی که کیسه فیروزه خود را بدور انداخت و چون ام اشرف که سرفرزند دلبندهش را نپذیرفت و - مانند مجاهدین قلعه شیخ طبرسی که اعتنای به وعدو و عید دشمنان نکردند و چون خال حضرت اعلی که آرزوی شهادت در راه محبوبش داشت از همه چیز خود برای اعلاء این امر مبارک بگذریم .

آری همه همه آنها که چون گل پاره های ارض باندک رطوبتی متلاشی میشوند مانند سربازی شجاع و دلاور برای انجام نقشه الهی دهساله تقدیپیش نهمیم - تا همه اهداف فتح نشده از میدان باز نگردیم و یا اینکه جان خود را چون نشانی از جانبازی در راهی که بقله فتح و پیروزی منتهی میشود بسیاریم . انتهى

من شما را نصیحت و دلالت میکنم (اگر نام
بهاء الله یا عبدالبهاء بسمع شمارسیده
از آثارشان غفلت ننمائید و رو بر
مگردانید در طلب کتبشان جستجو
نمائید تا آیات بینات
و کلمات عالیات صلح
برور محبت انگیزشان در دل و جان خود
چنانچه در قلب من جای
گرفته جای دهید .
(علیا حضرت ماری
ملکه رومانیسا)

آهنگ

بدیع و

خوانندگان

سال پس از مدتی انتظار و تعطیل آهنگ بدیع بکمک همکاران قدیم وجدید دوباره در جریان انتشار افتاد و بدست خوانندگان وفادار خویش رسید هیئت تحریریه لازم میداند در این جا از نفوس محترمی که با ارسال مقالات و اشعار یا بنحوی از انحاء هیئت را مساعدت فرموده اند تشکر نماید .

هیئت تحریریه متاسف است که در سالی که گذشت در اثر قلت وسایل نتوانست شماره های آهنگ بدیع را آنچنان که مورد نظر بوده جالب و کامل تقدیم خوانندگان عزیز نماید و امیدوارست در سالی که در پیش است بهمت و مساعدت خوانندگان محترم آهنگ بدیع هر شماره جالب تر و کامل تر منتشر و بصورت مرتب تری بین مشترکین گرامی توزیع گردد .

بقیه از صفحه ۳۹۵

... آری تالیف قلوب مخصوص مظاهر مقدسه الهیه است مخصوصا این ظهور اعظم که تمام عالم را مرتبط و متصل فرمود .

فسبحان ربنا العلی الابهی الان این مجمع نورانی که مرکب از ادیان متنوعه و نژاد های مختلفه هست بزرگترین برهان بر نفوذ کلمه الله و عظمت امرالله است .

انتهی

جناب حسام نقبائی یکی از همکاران صمیمی آهنگ بدیع شرحی تحت عنوان فضیلت عدد هفت ارسال فرموده اند نویسنده محترم در این مقاله با استناد به مندرجات بعضی از کتب مقدسه فضیلت عدد هفت را از نظر مومنین بادیان مختلفه مورد اشاره قرار داده اند هیئت تحریریه از مشارالیه کمال تشکر را دارد .

در موقعیکه اعلان درج جدول کلمات متقاطع در آهنگ بدیع منتشر گردید چند نفر از جوانان عزیز وارجمند از جمله آقایان پرویز فنائیان و ناصر هنرور با ارسال جداولی از اقدام هیئت تحریریه استقبال نموده اند ولی چون نظر هیئت تحریریه بر این بوده که این جداول ضمن سرگرمی حاوی مطالب امری آموزنده نیز باشد ضمن اظهار تشکر از این دودوست عزیز از یاران ارجمندی که مایل به تنظیم جداول هستند متنی است در تنظیم آنها از مطالب امری استفاده فرمایند .

مقاله ای تحت عنوان وحدت عالم انسانی از دوست جوان جناب حبیب الله حسامی واصل گردید که چون در سال جاری مقالات متعددی در باره این موضوع در شماره های آهنگ بدیع منتشر شده ضمن اظهار تشکر فراوان از نویسنده محترم متنی است مقالاتی در باره سایر تعالیم مبارکه مرقوم و ارسال فرمایند .

با انتشار این شماره یکسال دیگر از عمر آهنگ بدیع سپری میشود در ابتدای این

فهرست عمومی

مندرجات " آهنگ بدیع " سال ۱۱۷ بدیع

۱۳۳۹ شمسی - سال یازدهم

الف - آثار مبارکه

صفحه	
۲	۱- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء (ای مرغ صبح هدایت ۰۰۰)
۲۶	۲- توقیع مبارک حضرت ولی امرالله (ای برادران روحانی ایام خوش ۰۰۰)
۵۰	۳- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء (ای آیت باهره ملکوت ۰۰)
۸۰	۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء (ای مخمور جام الهی ۰۰۰)
۱۱۰	۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء (ای بنده حق خاموش مباش ۰۰)
۱۳۰	۶- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء (ای قد سیه آیت تقدیس ۰۰۰)
۱۴۰	۷- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء (ای یاران الهی و اما رحمانی)
۱۷۲	۸- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء (ای بندگان آستان مقدس)
۲۰۴	۹- آغاز الواح مبارکه وصایا
۲۰۹	۱۰- اولین توتیع حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه
۲۱۲	۱۱- قسمتهائی از الواح مقدسه وصایا قابل صفحه
۲۲۳	۱۲- از لوح مبارک قرن " "
۲۰۴	۱۳- از توتیع منیع مبارک حضرت ولی امرالله " "
۲۶۸	۱۴- از توقیع منیع مبارک ۱۰۵ بدیع " "
۲۸۲	۱۵- از الواح مبارکه وصایا (ای یاران با وفای عبدالبهاء) " "
۲۹۰	۱۶- از توقیع مبارک نوروز ۱۱۱ بدیع " "
۲۹۵	۱۷- آخرین توقیع حضرت ولی امرالله مورخ اکبر ۵۷
۳۰۰	۱۸- از توقیع منیع مبارک مورخه نوروز ۱۱۰ بدیع
۳۳۴	۱۹- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء (ای یاران حقیقی ۰۰۰)
۳۷۲	۲۰- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمتهائی از کلمات مکتوبه و آثار مبارکه زینت بخش صفحات مختلفه گردیده است .

ب - مقالات

۳	۲۱- سر آغاز
۸	۲۲- باری که بردوش ماست
۱۶	۲۳- تسخیر قلوب
۲۷	۲۴- خاموشی چراغ
۴۱	۲۵- بشاراتی از قاره مشتعله افریقا
۴۶	۲۶- خدا شناسی در ادوار بشر (۱)

آهنگ بدیع

۵۱	۲۷- استعداد نهفته
۵۳	۲۸- دنیائی که در آن زندگی میکنیم
۶۲	۲۹- فارسی و عربی
۶۵	۳۰- پرفسور بوزانی در ایران
۷۴	۳۱- خدا شناسی در ادوار بشر (۲)
۸۱	۳۲- همت بلند و مقصد ارجمند
۸۴	۳۳- از يك نامه ...
۸۹	۳۴- قیام بمهاجرت
۹۰	۳۵- وحدت عالم انسانی (۱)
۱۰۱	۳۶- خدا شناسی در ادوار بشر (۳)
۱۱۱	۳۷- آثار کلمه حق
۱۱۶	۳۸- وحدت عالم انسانی (۲)
۱۲۱	۳۹- خاطرات سفر شمال اروپا (۱)
۱۲۶	۴۰- سن جوانی را توانائی است
۱۲۸	۴۱- خدا شناسی در ادوار بشر (۴)
۱۳۱	۴۲- شیرین فوز دار در ایران
۱۳۶	۴۳- بیوفتائی
۱۴۱	۴۴- مقصد از خدمت بامرالله
۱۴۴	۴۵- چگونه بنویسیم ؟ ...
۱۴۷	۴۶- مدنیت حقیقی
۱۴۸	۴۷- وحدت عالم انسانی (۳)
۱۵۸	۴۸- سخنی چند با اربابظم و هنر
۱۶۳	۴۹- خاطرات سفر شمال اروپا (۲)
۱۷۵	۵۰- آفتاب عمر
۱۷۶	۵۱- امر مهاجرت و مشکلات تبلیغ
۱۸۴	۵۲- وحدت عالم انسانی (۴)
۱۸۷	۵۳- میهمانان عزیز ما
۱۹۲	۵۴- خاطرات سفر شمال اروپا (۳)
۲۰۵	۵۵- صحیفه ای که در آن شرح هجر... (سرآغاز شماره مخصوص)
۲۱۰	۵۶- پیام حضرت امة البهاء روحیه خانم
۲۳۴	۵۷- باغ میناق
۲۳۷	۵۸- پیام ایادی امرالله جناب سمندری
۲۷۷	۵۹- احساسات يك زائر
۲۸۲	۶۰- از (ساعتی بیاد محبوب)

آهنس بدیع

۳۳۵	۶۱- ملتخبلت بهائی
۳۴۴	۶۲- جانم فدای احبابست
۳۴۷	۶۳- ضیافات نوزده روزه
۳۵۵	۶۴- افتتاح ام المعابد افریقا
۳۶۸	۶۵- خونی که ریخته شد
۳۷۳	۶۶- ای باز هوای محبت الله
۳۷۷	۶۷- از شاهرود تا پروجیا
۳۸۳	۶۸- شهادت
۳۹۴	۶۹- اقامه نماز
۳۹۶	۷۰- ورزش چیست ؟ . . .

ج - تاریخی - بیوگرافی

۵	۷۱- پنجسالی که گذشت
۱۸	۷۲- تاریخچه پیشرفت امرالله در حبشه
۳۶	۷۳- پنجسالی که گذشت (۲)
۵۵	۷۴- پنجسالی که گذشت (۳)
۷۲	۷۵- شرح حال روح الله حق بسزوه
۸۶	۷۶- فاتح روحانی آلمان
۹۶	۷۷- پنجسالی که گذشت (۴)
۱۱۴	۷۸- شرح مختصری از وقایع هرمزک
۱۵۲	۷۹- نفوذ امر در فرانسه
۲۱۲	۸۰- افتتاح الواح مبارکه وصایا
۲۸۴	۸۱- از نامه جناب دکتر لطف الله حکیم
۳۵۲	۸۲- پرفسور آگوست فورل (۱)
۳۷۸	۸۳- پرفسور آگوست فورل (۲)

د - ترجمه

۳۲	۸۴- شرح حال ایادی امرالله در وقت بیکر
۵۸	۸۵- تم ان علینسا بیانہ
۷۰	۸۶- علم و عقل و دین
۹۹	۸۷- زهائسی از ترس
۱۷۳	۸۸- بیانات حرم مبارک در انگلستان
۲۰۰	۸۹- ام المعابد افریقا
۲۱۶	۹۰- نیازی باستان حضرت شوقی آهنسدی

آهنگ بسدیغ

۲۲۳	۹۱ - بیست و پنج سال در ظل ولایت امر
۲۴۱	۹۲ - بیانات حضرت روحیه خانم در کفرانس کامپالا
۲۵۰	۹۳ - شرح صعود حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه
۳۱۹	۹۴ - سر دلبران در حدیث دیگران
۳۳۹	۹۵ - در محضر حضرت عبد البها
۳۶۱	۹۶ - آفتاب سیاه (۱)
۳۸۴	۹۷ - آفتاب سیاه (۲)

ه - اشعار

۱۵	احمد نیکوئی نژاد		۹۸ - آهنگ دلنشین
۳۸	عندلیب		۹۹ - تهنیت عید رضوان
۳۸	ادیب بیضائی		۱۰۰ - رضوانیه
۳۹	ابراهیم شیروانی		۱۰۱ - عید رضوان
۳۹	نعیم		۱۰۲ - بهار سه
۶۱	روحانی		۱۰۳ - جوانی
۹۴	بدرالدین حصاری		۱۰۴ - هوشم بها گوشم بها
۱۲۰	نبیل زرنندی		۱۰۵ - ز بحر جود خود یک قطره
۱۵۷	اقدس سی		۱۰۶ - ای دوست همی که ...
۱۸۶	طلعت بصاری		۱۰۷ - دوست
۱۸۶	" "		۱۰۸ - زبانکار کیست
۲۷۳	دکتر مصباح		۱۰۹ - دیدی با ما چه کرد
۲۸۹	عباس طاهری		۱۱۰ - بیاد دوست
۳۰۹	حسین بیضائی		۱۱۱ - در صعود مولای حنون
۳۱۸	روحانی		۱۱۲ - بیاد حضرت ولی امر الله
۳۳۱	بدرالدین حصاری		۱۱۳ - بیاد محبوب
۳۵۱	بیضائی		۱۱۴ - ساقی نامه هجرت
۳۹۱	سلمانی		۱۱۵ - شعر (عشق تو)
۳۹۰	سهیل سمندری		۱۱۶ - " (بیاد روز فیروز)

و - معرفی کتاب

۱۰	۱۱۷ - کتاب مستطاب ایقان
۴۷	۱۱۸ - مصابیح هدایت (جلد چهارم)
۱۰۶	۱۱۹ - نجوم بازخه - حکایات امری
۱۶۸	۱۲۰ - برهان واضح

آهنگ بدیع

۴۲	۱۰- کفرانس بهائی ایونجی
۴۲	۱۱- نمایندگان شش قبیله در کفرانس تبلیغی (بکو) مقابل صفحه
۷	۱۲- ماکت مشرق الاذکار فرانکفورت
۳	۱۳- جشن جوانان بهائی بهمنیر
۳	۱۴- جشن جوانان بهائی عرب خیل
۵۴	۱۵- جشن جوانان بهائی اصفهان
۶۴	۱۶- جشن جوانان بهائی مشهد
۶۵	۱۷- پرفسور بوزانسی
۷۲	۱۸- روح الله حق پزوه
۷	۱۹- منظره ای از دارالانار بهائی
۷	۲۰- جشن جوانان بهائی نجف آباد
۷	۲۱- لجنه جوانان بهائی یزد
۹۶	۲۲- سه تیه حرم اقدس
۹۷	۲۳- قسمتی از حرم اقدس
۹۷	۲۴- منظره ای از سجن عکا
۹۷	۲۵- منظره ای از باغچه های روضه مبارکه
۹۸	۲۶- منظره ای از سجن عکا
۷	۲۷- ام المعابد افریقا
۱۱۴	۲۸- شهدای سبعه هرمزک
۱۳۱	۲۹- شیرین فوزدار
۷	۳۰- مشرق الاذکار استرالیا
۱۴۶	۳۱- کانوشن محلی جوانان بهائی کرمانشاه
۱۴۶	۳۲- سیزدهمین کانوشن آذربایجان
۱۵۵	۳۳- نقشه محل های اقامت حضرت عبدالبها
۷	۳۴- کانوشن ملی جوانان بهائی ایران
۱۸۲	۳۵- لجنه جوانان بهائی کینهاک
۱۸۲	۳۶- اولین کفرانس تحری حقیقت در کینهاک
۱۸۸	۳۷- ایادی امرالله جناب فدرستون و خانم محترمه صفحه
۲۰۰	۳۸- ام المعابد افریقا
۲۴۱	۳۹- حرم مبارک حضرت روحیه خانم
۲۶۴	۴۰- عکسهای مربوط بشرح صعود مبارک
۲۶۵	۴۱- " " " " " "
۲۶۶	۴۲- " " " " " "
۲۶۷	۴۳- " " " " " "
۲۷۵	۴۴- نغای مرقد مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه

آهنگ بدیع

۲۴۰	مقابل صفحه	۴۵- شجره نامه مبارک
۲۷۸	" "	۴۶- بنای مرقد مبارک و جمعی از زائرین
۲۸۰	مقابل صفحه	۴۷- ماکت مشرق الاذکار کرمعلی
۲۸۰	مقابل صفحه	۴۸- منظره ای از مقام اعلی و دالانار
۲۸۸	" "	۴۹- بیت عبود
۲۸۸	" "	۵۰- مرقد حضرت ورقه مبارکه علیا
۲۹۲	" "	۵۱- نقشه دهساله ترسیبی هیکل مبارک
۲۹۴	مقابل صفحه	۵۲- ام المعابد افریقا
۲۹۴	" "	۵۳- ام المعابد امریکا
۲۹۸	" "	۵۴- ام المعابد استرالیا
۲۹۸	" "	۵۵- ماکت مشرق الاذکار آلمان
۱۱		۵۶- انجمن شور روحانی جوانان قسمت امری طهران پشت جلد شماره
۳۵۲	مقابل صفحه	۵۷- پرفسور فورل
۳۵۵	صفحه	۵۸- ام المعابد افریقا
۳۵۸	مقابل صفحه	۵۹- ایادی امرالله حضرت امة البهاء در افریقا
		۶۰- شرکت کنندگان ایرانی جشن افتتاح مشرق الاذکار افریقا
۳۵۸	مقابل صفحه	
۳۶۷	صفحه	۶۱- آقای سیروس نراقی
۱۲	پشت جلد شماره	۶۲- منظره ای از شهر حيفا
۳۸۲	مقابل صفحه	۶۳- اولین مجمع جوانان بهائی پرو
۳۸۲	مقابل صفحه	۶۴- لجنه جوانان گامبیا